

فلسفه‌ی مدیریت تعزیه

حامد قربانی

سرشناسه	: قربانی، حامد، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: فلسفه‌ی مدیریت تعزیه / پدیدآور حامد قربانی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر پایا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۴ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۱۵۰۰۰ ریال: 978-600-95521-6-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۱۹] - ۲۲۴.
موضوع	: نمایش — مدیریت
موضوع	: Theater management
موضوع	: تعزیه
موضوع	: Ta'ziyah
موضوع	: مدیریت
موضوع	: Management
موضوع	: تعزیه -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Ta'ziyah -- Iran -- History
رده بندی دیویر	: ۱۳۹۶ ف۴ق/۵۳/۲۷۰۵ PNY
رده بندی دیویر	: ۷۹۲/۰۲۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۰۸۴۰۲



عنوان کتاب	فلسفه‌ی مدیریت تعزیه
نویسنده:	حامد قربانی
ناظر چاپ:	ملیحه کاظمی نسب
طراح جلد:	رضا حیرانی
نوبت چاپ:	اول / ۱۳۹۶
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
چاپ:	ارس
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۵۵۲۱-۶-۰
تلفکس انتشارات:	۸۸۳۱۶۳۹۱
آدرس انتشارات:	تهران - خیابان کریم خان زند - خیابان سنایی - خیابان چهارم آذرین - شماره ۱۸ - واحد ۷
پست الکترونیکی:	baya.nashr@hotmail.com کانال تلگرامی: bayanashr@
بها:	۱۵۰۰۰ تومان

مراکز بخش: ۱ - تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، نرسید به لبافی نژاد، کوچه انوری، پلاک ۸ طبقه دوم، بخش مهکامه.

تلفن: ۶۶۴۹۷۰۵۰ - ۶۶۴۸۸۲۰۳ - ۶۶۴۶۱۵۰۹ - ۹۱۲۳۹۷۴۰۲۱

۲ - تهران، میدان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و اردیبهشت، کتابفروشی آگاه. تلفن:

۶۶۴۶۷۳۲۳ - ۶۶۴۶۰۹۳۲

پست الکترونیکی: www.mahkame.com en_mahkame@yahoo.com

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار.....
۱۱	مقدمه.....
۳۳	فصل یکم: فلسفه‌ی مدیریت تعزیه.....
۳۳	گفتار یکم: شهر و شکل‌گیری.....
۴۴	گفتار دوم: هاست‌گذاری.....
۵۰	گفتار سوم: تصمیم‌گیری.....
۵۵	گفتار چهارم: شناخت نیروی انسانی.....
۶۰	گفتار پنجم: حقایق و نگرش‌ها.....
۶۳	فصل دوم: اصول مدیریت اجرایی تعزیه.....
۶۳	گفتار یکم: شناخت نقش تعزیه‌گردان.....
۷۰	گفتار دوم: مدیریت امور نمایشی.....
۷۶	گفتار سوم: شرح وظایف.....
۷۷	انتخاب موضوع تعزیه.....
۷۶	تعیین متون ادبی یا تعزیه‌نامه‌ها.....
۸۴	انتخاب و هماهنگی تعزیه‌خوانان.....
۸۷	نظارت بر رخت و اسباب مجلس.....
۹۰	مدیریت بر موسیقی و نوازندگان.....
۹۸	برگزیدن ناظم البكاء.....

- آگاهی و شناخت از مکان تعزیه ۱۰۱
- گفتار چهارم: انواع مدیریت اجرایی ۱۰۴
- مدیریت بر مبنای تعزیه‌های دولتی ۱۰۵
- مدیریت بر مبنای تعزیه‌های عمومی ۱۰۸
- مدیریت بر مبنای تعزیه‌های سیار ۱۱۱
- فصل سوم: کنترل و نظارت در تعزیه ۱۱۵
- گفتار یکم: ضرورت نظارت ۱۱۵
- گفتار دوم: انواع نظارت ۱۲۳
- گفتار سوم: سر و نظارت روحانیون ۱۳۰
- فصل چهارم: اصول آموزش اجراکنندگان ۱۴۳
- گفتار یکم: اهداف و روش آموزش ۱۴۳
- گفتار دوم: پرورش نیروی حلاقه ۱۵۴
- گفتار سوم: آموزش و گسترش موسیقی ۱۶۸
- گفتار چهارم: تربیت و تعالی تعزیه خواهان ۱۷۶
- فصل پنجم: هزینه و پاداش ۱۸۱
- گفتار یکم: انواع و مبنای پاداش ۱۸۱
- گفتار دوم: مدیریت هزینه و اعطای پاداش ۱۹۱
- گفتار سوم: سرمایه‌گذاری مردمی ۲۰۳
- سرانجام ۲۱۱
- فهرست منابع و مآخذ ۲۱۹

پیشگفتار

این پژوهش می‌کوشد تا با نگرشی اکتشافی موضوع مدیریت اجرایی و نیروی انسانی در هنر تعزیه را بررسی نماید. همچنین با مطالعه بر روی تردهای علم مدیریت در حوزه‌ی تاریخ نمایش در ایران نقاط ضعف و قوت بخش‌های مختلف آن را بیان کند. تحقیقات گوناگون در زمینه‌ی تعزیه، این رجب را برآورده تا نگارنده با استفاده از شیوه‌ی پژوهشی کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات بپردازد و جایگاه مدیریت فرهنگی را با مفاهیم کلی آن در لایه‌ی اسناد و متون بررسی نماید و بر موضوعی که کمتر به آن پرداخته شده صحه بگذارد. بررسی اهداف تعزیه که یک نمونه‌ی آن رسیدن به مرتبه‌ی متعالی انسان می‌باشد، از مضامین مورد بررسی در این پژوهش است. از بخش‌های دیگر این تحقیق می‌توان به این موارد اشاره کرد: اشنایی با موله‌ی تعزیه گردانی که مهم‌ترین بخش با رویکرد مدیریتی به حساب می‌آمده، کنترل و نظارت بر اجراها، مباحث آموزشی و تربیتی و همچنین بررسی پاداش‌ها از جمله سرفصل‌های قابل تأمل در این پژوهش می‌باشد. با توجه به این موضوعات، تمرکز نگارنده تا جایی که امکان‌پذیر بوده، بر جنبه‌های مدیریت اجرایی نمایش انجام گرفته است و جنبه‌های تکنیکی، در اینجا مورد نظر نمی‌باشد. همچنین کوشیده شده تا مباحث مدیریتی از گفته‌های تعزیه پژوهان ایرانی و خارجی استخراج گردد. امید که مطالب این پژوهش برای اغلب علاقمندان مفید فایده واقع گردد.

تحلیل و بررسی درباره‌ی مؤثرترین هنر نمایشی ایران - تعزیه - در باور اجتماع مردم، با همه‌ی ابعاد گسترده و شناخته شده اش، باز هم به ما یادآوری می‌کند که همچنان موارد مبهم و بررسی نشده‌ای در این هنر نمایشی به چشم می‌آید. بطوریکه باید گفت مسئله‌ی تعزیه مسئله‌ای انسانی و واکاوی شاخصه‌های معنی از منظر تاریخ و مذهب در قالب آئین و نمایش است و همواره تفسیر مسئله‌ای که اغلب پژوهشگران در بدو ورود به آن پرداخته‌اند، موضوع ناستگاه و شکل‌گیری آن بوده است. در واقع این مسئله به بررسی مبدا و آغاز شکل‌گیری تعزیه‌خوانی در تاریخ می‌پردازد و پژوهشگر پرسش خود را از درون پیش از اسلام و در آئین‌ها و مناسک و بازخوانی اساطیر، و هم در پس از اسلام مطرح و جستجو می‌کند. ناگفته نماند پاسخ قاطعانه یافتن در این مسئله دشوار بوده و این بدان معنی است که دیدگاه‌ها و پرسش‌های گوناگون در این حوزه، همچنان شایستگی پژوهش و جستجو را دارند. از دیگر مسئله‌های مطرح شده در قدم‌های بعدی، چرایی اجرا و شکل‌دهی آئین‌های سوگواری توسط ایرانیان شیعه می‌باشد؛ و در این قدم

پرسش‌های اینچنینی مطرح می‌شود: چرا اعراب نتوانستند نقش مهمی در شکل‌گیری این آئین‌ها ایفا کنند؟ آیا آشنایی ایرانیان با مناسک و آئین‌های مذهبی و اساطیری در گذشته‌ی تاریخیشان زمینه‌ی مناسبی برای اشتیاق و جذب آنان به چنین رویکردی بوده است؟ آیا عدم چنین استعدادی در اعراب دلیلی بر نرفتن آنان به سمت اجرایی کردن وقایع تاریخی در قالب نمایش و یا درام دینی بوده است؟ اساساً مسئله‌ی تعزیه خواهی مربوط به فرهنگ مردمی می‌شود که در جوهره‌ی زندگی خود با حماسه، قهرمان‌پروری، ستیز و پایداری در برابر نیروهای اهریمنی، ذوق و آشنایی و تجربه‌ی داشته باشند. یا تجربه‌ی تأویل نشانه‌های نمادین و رمزی را در ادبیات خود دارند باشند. این نکته حائز اهمیت است که برگزاری سوگواری‌ها زمانی به مسئله‌ی ایرانیان شیعه تبدیل شد که جامعه و دستگاه‌های حکومتی در مسائل اخلاقی و یکپارچگی ملی و مذهبی دچار ضعف و اختلال شده و در ایهام‌های ظاهری و بیرونی نیاز به اثبات قدرت ملی به کشورهای همسایه و غیرشعی می‌دیدند. از اینرو برای رفع ابهامات بوجود آمده در سطوح جامعه، رویکرد به این نیاز مطرح گردید. این فرضیه‌های مبتنی بر واقعیت تعزیه را از منظر سیاسی و اجتماعی مطرح می‌کند، که دو حکومت صفوی و قاجاریه، چنین نگرشی را در چارچوب حکمرانی خود قرار می‌دهند. از دیدگاه مردم‌شناسی هم باید گفت این پرسش مطرح است که چگونه تعزیه تبدیل به مسئله‌ی مردم این سرزمین شد؟ یا چه عاملی موجب توجه مردم به آن شده بود؟ آیا موقعیتی که برای مردم از دریچه‌ی تبلیغ و

تشریح آموزه‌های اسلامی ایجاد می‌کرد، مفید و موثر واقع می‌شد؟ این پرسش‌ها از منظر مخاطب‌شناسی به تعزیه می‌نگرد و فرصتی فراهم می‌کند تا از حوزه‌ی مردم‌شناسی، آن را مورد بررسی قرار دهد. در این حوزه است که دلایل علاقه و رغبت ایرانیان به مقولاتی نظیر سوگواری، حرمت نگهداشتن آداب ماه‌های مذهبی و مسائلی از این دست موضوعات مطرح گردیده و ما را با هویت فرهنگی دوره‌های تاریخی آشنا می‌کند. هویتی که مجموعه‌ی ویژگی‌های احساسی، عرفانی، دینی، سیاسی و غیره را در قالب نمایشی نمودار می‌کند؛ و محملی برای شناخت روحیات و هیجانات ایرانیان ایجاد می‌کند: «نمایش فاجعه‌ی جانگزای کربلا که در آن رویه‌ی خشن و بی‌رحم طبیعت جاهلی با تمام مظاهر خود جلوه کرد و در طول چند ساعت از روز عاشورا هفتاد و دو تن از مردان حق‌کشته شدند، جان‌نزن انگیز و دردآور است که در ژرفای دل و احساس هر بیننده شرر و غوغایی عارفانه به پا می‌کند، کمتر کسی است که روایت مصایب و آلام شهیدان و اهل بیت خاندان پیغمبر و سبعت و ستم اشقیاء را در تعزیه بشنود و بیاد و از شدت اندوه ماتم شهیدان به هیجان نیاید و به گریه و مویه ننشیند! گریه‌ی به هیجانی که از دیدن تعزیه به خوانان و بینندگان تعزیه دست می‌آید، اشاره می‌کند و این شور و هیجان را انگیزشی قدسی و مینوی وصف می‌کند. او می‌نویسد: آدمی با دیدن این وقایع اگر خونسرد بماند، دیگر انسان نیست، چون در قبال سنگدلی و ستم بی‌احساس است و نیز مسلمان نیست، چون اهل بیت پیامبر را پاس نداشته است. یکی از تعزیه‌شناسان

هدف از تعزیه‌خوانی را نه تنها پدیده آورد یک نظم اندیشگانی اخلاقی و دینی در بینندگان، بلکه برانگیختن یک واکنش درون پالا مانند خنده یا گریه و خشم یا جنب و جوش و هیجان در آنان دانسته است. به طور کلی، نمایش مصایب در تعزیه‌خوانی چنان شور و غوغایی در درون مؤمنان پدید می‌آورد که رشته‌های پیوندشان را با زندگی دنیوی نا مقدس می‌گسست و آن را به فضای قدسی پُررمز و رازی که تجلیگاه روح مقدسان و بزرگان است می‌برد... اصولاً هدف و کارکرد اجتماعی مهم دین و مناسک، تقویت روحیه‌ی ستیزندگی و آماده کردن مؤمنان برای جهاد و شهادت است. مشارکت در مناسک و آیینهای مذهبی نیروی ایمان انسان را تقویت می‌کند و به او قوت قلب می‌دهد تا این که با سرسختی و اعتماد به خود، با زندگی را تحمل کند.^۱

تاکنون دریافتیم که طرح مسئله درباره‌ی این موضوع از چند منظر قابل بیان است، که به اختصار باید بگویم موارد آن را شمرد: از منظر آیینی و اساطیری، از منظر دین و مذهب، از منظر نگرش اجتماعی و مردم شناسی و به طور کلی از منظر تاریخی، اکنون با گذشت زمان و گسترش یافتن پژوهش‌ها و جمع آوری اسناد و مدارک، می‌توان به بیان طرح مسئله‌های تازه‌تری در زمینه‌ی آشنایی با تعزیه پرداخت تا موارد ناگفته و مبهم را برطرف نمود. از این رو نگارنده در این تحقیق می‌کوشد تا پرسش خود را از منظر علم مدیریت و یکی از شاخه‌های آن

۱ - عنایت الله شهیدی، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰، دفتر

یعنی مدیریت منابع انسانی مطرح نماید و چنین نمایشی را در چهارچوب آن بررسی کرده تا بتواند به رهیافتی تازه از مفهوم مدیریت فرهنگی و هنری و به ویژه مدیریت امور نمایشی نزدیک گردد. با اینهمه آنچه می‌توان به طرح مسئله‌ی اصلی در این تحقیق نام برد از این قرار است: آیا مدیریت (به مفهوم کلی آن و در اینجا به شکل مدیریت نیروی انسانی) در هنر تعزیه (از فکر راه‌اندازی تا اجرای آن) صورت می‌گرفته است؟ اگر انجام‌پذیر بوده آن را با استفاده از چه شیوه‌ای ارائه می‌کرده‌اند؟ در این نقاط ضعف و قوت مدیریت امور تعزیه چگونه بوده است؟

اساساً تعزیه را از دیدگاه اصول مدیریت بررسی کردن، نظیر چنین مسائلی را برای طرح کردن نیاز دارد. اما ذکر چند نکته در این گفتار تأکیدی است بر جهت‌گیری محقق برای طرح مسئله در این پژوهش. باید گفت دو واژه‌ی مدیریت و مدیریت منابع انسانی در این تحقیق به گونه‌ای مترادف به کار رفته‌اند. علاوه بر آن باید تأکید کرد که در این پژوهش تنها چند بخش اساسی و کاربردی از علم مدیریت و جستجوی آن در نمایش ایرانی، زمینه‌ی طرح مسئله گشته است. مسئله‌ی کاربر کم و کیف آموزش، نظارت، هدف‌گذاری، نگرش‌های اخلاقی در مدیریت و دیدگاه اقتصادی قابل طرح‌ریزی هستند. به طور کلی در طراحی مسئله این دغدغه مطرح بوده که زمینه‌ی آشنایی با موضوع و مباحث نظری مورد نیاز در اختیار علاقه‌مندان به هنر نمایشی ایران و به خصوص دانشجویان رشته‌ی مدیریت فرهنگی و هنری قرار گیرد. و آن‌ها بتوانند

با آمادگی لازم، مطالعات و عقاید خود را در زمینه‌ی مدیریت امور نمایشی جهت دار نمایند. نکته‌ی دیگر آن که برای ایجاد تمرکز بیشتر پاره‌ای از کلیات علم مدیریت، مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین استناد به نظرات محققان در هر دو حوزه صورت گرفته تا یکدستی در موضوع حفظ گردد.

با توجه به گستردگی این موضوع لازم است به ترسیم محدوده‌ی موضوع پرداخته تا بتوان شرایط لازم را برای انجام یک پژوهش علمی فراهم نمود. باید گفت تعزیه از ابعاد گوناگون و مختلفی برخوردار است که هر کدام از آنها جایگاه مشخصی در تحقیقات آن دارد. از اینرو جذابیت پژوهش بر سبب وسعت حوزه‌ی تحقیق آن بوده که شوق جستجوگری را برای علاقه‌مندان به این هنر باز می‌گذارد. اما همواره یکسری از ابعاد این نمایش از اهمیت بیشتری برخوردار بوده که بدون پرداخت و آشنایی به آن، کار تحقیق ابرار می‌باشد. به عنوان نمونه بررسی متون و نسخه‌ها که بر اساس روایت‌های شفاهی به دست آورده شده و همچنین بخش‌های اجرایی نظیر زبان و بیان و تکیه‌های به نمایش گذاشتن هر مجلس و هر واقعه، از عناوینی هستند که می‌بایست طرح و تحدیدشان مشخص شود تا تحقیق دچار سرگردانی نگردد. همانطور که اشاره شد محدوده‌ی این تحقیق در حوزه‌ی مدیریت منابع انسانی قرار می‌گیرد و سعی شده تا حد امکان به مسائلی که در ارتباط با این دو حوزه نمی‌باشد، پرداخت نگردد. از سویی دیگر رجوع به دوره‌ها و حکومت‌هایی که در شکل‌گیری این نمایش نقش حیاتی ایفا کرده‌اند، به

صورت محدود و مرتبط با موضوع بیان شده و سعی گردیده تا بیشتر بر دوره‌ی شکوفایی و تکامل آن، یعنی دوره‌ی قاجار، تمرکز یافته و در آن حدود زمانی مباحث مورد نظر بیان گردد:

«تعزیه‌خوانی در جامعه دوره‌ی ناصری و چند دهه‌ی پس از آن به اوج شکوفایی و درخشندگی خود رسید و جاذبه‌ی خاصی در میان توده مردم یافت. در آن زمان، از سویی دربار و حکومت و اعیان و اشراف به دلایل مختلف از تعزیه‌خوانی حمایت می‌کردند و آن را هر سال با جلال و جبروت مخصوص در تکیه‌ها و تکیه دولت و حیاط خانه‌های خود بر پا می‌کردند؛ و از سویی دیگر مردم کوچه و بازار و سرسپردگان خاندان امیرمؤمنان که رکن اصلی حاکمان و مشوقان مجالس تعزیه‌خوانی بودند و بانیان واقعی تعزیه‌خوانیها را در تکیه‌های محلی و میدانها و کاروانسراها و فضای باز زیارتگاه‌ها شکل می‌دادند، پس مجالس را با شکوهی در خور قهرمانان دینی برگزار می‌کردند... در دوره‌ی قاجار، به سبب رونق مجالس تعزیه‌خوانی و استقبال مردم از آنها، سخن تکیه و وقف آن برای عزاداری و تعزیه‌خوانی نیز بازار گرمی داشت. در تهران قدیم، و در بعضی از شهرهای قدیم ایران، اهالی هر محله و محله در دست یک تکیه برای عزاداری و تعزیه‌خوانی در محل زندگی خود ساختار داشتند.»^۱

با توجه به گفتار ذکر شده اگر بخواهیم درنگی بر طرح و حدید این موضوع داشته باشیم و محدوده‌ی تحقیق را در عبارتی بیان کنیم باید

اینگونه گفت: «بررسی مدیریت اجرایی یا نیروی انسانی در هنر تعزیه در دوره قاجار، نکته پایانی در این گفتار اینکه همچنان اغلب تعزیه گردانهایی که ما به آنان دسترسی داریم، بیشتر اطلاعات و یادگیری خود را به گونه‌ای برگرفته از دوره قاجار می‌دانند و با توجه به این مطلب است که شیوه‌های مدیریت اجرایی این هنر، همچنان طبق سنت همان دوره به ویژه عهد ناصری، تبیین می‌گردد. ایمان و وفاداری به شیوه‌های سنتی اجرایی و اهدافی که گردانندگان در آن می‌پیمودند، همگی از دل دوره پیشین حاکم است، که توجه حکومت به مراسم‌های از این دست گاه در حد جریانی مدیریت شده، می‌بود. و ما می‌کوشیم با براندازی این دوره، جنبه‌های متفاوت مدیریت، همچون هدایت، رهبری، نظارت و غیره را بیان کنیم.

تعزیه در فرآیند اجرایی اش علاوه بر آنکه مراسم آئینی و سوگواری را اعلام می‌دارد، انگیزه‌های دینی مراسم و یا شرکت‌کنندگان را هم تقویت می‌کند و همچنین ترس و تنش‌های روانی آنان را از طریق به نمایش گذاشتن روحیه‌ی ایمانی و معرفتی، به سطح قابل تحملی می‌رساند. در برگزاری آن یک جامعه‌ی کوچک حضور دارد که هریت خود را با نشان دادن مضامین معنوی معرفی کرده و در اهدافش به نماد و استعاره وابستگی پیدا می‌کند. این ویژگی اغلب مراسم‌های آئینی می‌باشد که گاه در اهداف جزئی و کلی خود با نمایش و تئاتر، وجه تشابه مشترک دارد: «مراسم آئینی بوسیله‌ی شرکت دادن حضار در وقایع و مفاهیمی که ابدی و بنابراین تا بی‌نهایت قابل تکرارند، بعد زمان را از میان بر می‌دارد. و